

تفاوت نگرش غربی و نگرش اسلامی به فلسفه دین

دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی رئیس انجمن علمی فلسفه دین ایران در همایش بین‌المللی فلسفه دین معاصر که یکشنبه سوم دی ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، طی سخنانی به موضوع "فلسفه دین در بستر اسلامی" پرداخت و گفت: فلسفه دین نظامی است که در فضای غربی منشاء یافت و در آن فضا نیز بارور گردید. نظام مشابه در بستر اسلامی کلام و کلام جدید بوده است. جهان مدرن با مسایل جدید فلسفی و دینی مواجه گردید که می‌بایست از منظری فلسفی ارزیابی گردند. به این دلیل بود که فلسفه دین فعالیت جدی خویش را آغاز نمود.

دکتر آیت‌اللهی در ادامه به رویکردهای مختلفی که نسبت به فلسفه دین در فضای اسلامی است، پرداخت و با اشاره به تفاوت آن با فضای مسیحی افزود: اولین تفاوت فلسفه دین در رویکرد اسلامی با فلسفه دین غربی مساله آموزه‌های خاص موضوعات فلسفی است. در نگرش اسلامی بیشتر باورهای گزاره‌ای داریم همچون توحید، نبوت و معاد، اما باور اصلی مسیحی باوری تاریخی از جریان فیض الهی در گذر زمان است؛ از جمله گناه اولیه، هبوط، فدیة، تجسد و ... دومین تفاوت ارتباط بین انسان و خدا است. اهمیت انسان در مسیحیت به این معنی است که انسان یک انگاره‌ای از خداست.

وی تصریح کرد: سومین مساله عشق خداوندی در مسیحیت و خداوند رحمان در اسلام است. که این دو گزاره تفاوت مفهومی و معنایی با یکدیگر دارند. چهارمین تفاوت در اخلاق و سیاست است. مسیحیت بیشتر جنبه اخلاقی دارد، اما در اسلام جنبه سیاسی پررنگ تر است به این معنی که در فلسفه غربی رابطه دین و سیاست مطرح نیست اما در رویکرد اسلامی این مساله اهمیت زیادی دارد.

دکتر آیت‌اللهی به پنجمین تفاوت رویکرد اسلامی و رویکرد غربی به فلسفه دین از منظر آموزه‌ها پرداخت و گفت: مسیحیت بیشتر دینی شخصی است در حالی که اسلام دینی اجتماعی است. تفاوت دیگر در رابطه عقل و ایمان در اسلام و مسیحیت است. در اینجا تفاوت بین مفاهیم، پیش فرض‌ها و بسترها در رویکرد اسلام و مسیحیت به فلسفه دین مطرح است.

دکتر آیت‌اللهی یادآور شد: معنای وحی در اسلام و مسیحیت با هم متفاوت است. در اسلام وحی ۲۳ سال طول کشید، اما در مسیحیت تا سال ۱۵۰۰ ادامه داشت. تفاوت دیگر نگرش اسلامی و مسیحی در معنای "تعالی" و "حلول" است. این دو، نقش کلیدی در مسیحیت و حتی فلسفه‌های غربی دارند. علت اهمیت

آن این است که در مسیحیت موضوع "تجسد" وجود دارد اما در اسلام چنین چیزی نیست و برای همین ترجمه آن به فارسی همواره مشکل بوده است. سومین تفاوت رویکرد اسلامی و غربی به دین در مفهوم نبوت است. ما حضرت مسیح(ع) را نبی می‌دانیم، اما در مسیحیت حضرت مسیح(ع) خدای مجسد است. تفاوت دیگر در مفهوم قیامت است. در بخشی از کلام اسلامی به قیامت پرداخته می‌شود در حالی که در مسیحیت اهمیت زیادی ندارد. موضوع نبوت و پدر بودن خدا در مسیحیت وجود دارد اما در اسلام چنین چیزی نیست، لذا نوع پرداختن به فلسفه دین متفاوت می‌شود. در اسلام و یهودیت شریعت وجود دارد اما در مسیحیت این شریعت ضعیف است. مساله دیگر اینکه متفکران اسلامی معادل قرآن در مسیحیت را انجیل می‌دانند در حالی که این دو با هم متفاوتند. در واقع معادل قرآن در مسیحیت خود حضرت مسیح(ع) است که "کلمه" بود لذا این مساله در رویکرد اسلامی به فلسفه دین بسیار اهمیت دارد.

رئیس انجمن علمی فلسفه دین ایران یادآور شد: مساله دیگری که نگرش اسلامی و غربی با تفاوت مفاهیم دچار مشکل می‌شوند بحث علم و دین است و مساله تکامل. در مسیحیت تکامل بنیادهای تفکر مسیحی را که خداوند تجسد یافته، گناه اولیه، هبوط و ... است مورد حمله قرار می‌دهد در صورتی که این آموزه به اندیشه‌های بنیادین دینی در اسلام ضربه نمی‌زند بلکه در تفسیر آیاتی از قرآن که مطلبی بنیادین نیست دچار مشکل می‌شویم. مساله دیگر، مساله شر است. در اندیشه اسلامی این موضوع به صورت عدل الهی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، در حالی که در تفکر غربی از معضل توجیه شرور با وجود خداوندی که عشق بی حد به بندگان دارد بحث می‌شود.

وی افزود: مساله دیگر بحث تجربه دینی و عرفان است. جایگاه عرفان در رویکرد اسلامی متفاوت با جایگاه آن در تفکر غربی است. در فلسفه غربی تجربه دینی مهمترین راه برای درک و مواجهه با خدای مجسد شده و تاریخی است درحالی که در نگرش عرفانی ما این امر بگونه‌ای دیگر مطرح است.

تفاوت دیگر بحث اولیاء دین است. در مسیحیت ما با کشیشان و قدیسان سر و کار داریم در حالی که در اسلام بحث علما مطرح است. در مسیحیت قدیسان به خاطر قداست‌شان مورد توجه قرار می‌گیرند اما در اسلام بحث علم مطرح است و در مسیحیت سلسله مراتب کلیسایی وجود دارد اما در اسلام با این که حجت‌الاسلام، آیت‌الله وجود دارد اما اینها با یکدیگر ارتباط درجه‌ای ندارند بلکه این مساله به درجه علمی‌شان بر می‌گردد.

دکتر آیت‌اللهی در ادامه تصریح کرد: تفاوت دیگر در نقش کشیش و روحانی در ارتباط انسان با خدا است که در اسلام هیچ روحانی‌ای ارتباط انسان با خدا را برقرار نمی‌کند برعکس در مسیحیت این نقش برای کشیش بسیار پررنگ و تاثیرگذار است. مساله دیگر تفاوت نگاه مسیحی و اسلامی به فلسفه دین نشأت

گرفته از نحوه استدلال‌آوری است. فلسفه دین غربی به مسایل تجربی بیشتر توجه می‌کند، اما در فلسفه دین از منظر اسلام رویکردهای عقلی مسایل مطرح است. همچنین رابطه خدا و مخلوق از دیگر مسایل اختلافی است به این معنی که اراده خدا و فیض الهی در مسیحیت و اسلام متفاوت است.

وی در پایان به راه‌های این مشکلات بین باورهای اسلامی و غربی به فلسفه دین اشاره کرد و گفت: براهین اثبات خدا در اسلام و مسیحیت در غرب فرق می‌کند که راه‌های متفاوتی را در پی دارد. امید داریم فلسفه دین را از بستر صرف غربی در بیاوریم و یک بستر بزرگتری از فلسفه دین در پی این گفتگوها به دست آوریم تا به ایده‌های بهتری در حوزه برهان‌آوری برسیم.